

- پنجشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۱**
- سال سیزدهم - شماره ۲۴۶۲**

در شماره سابق، بیان کردیم که انحصارگرایی افراطی مسیحیت، پیروان سایر ادیان ازجمله یهودیان، زرتشتیان، بودائیان، کفار و همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی را از بهشت بیرون می‌راند و بهشت را به حیات خلوت مسیحیان مبدل می‌سازد. مسیحیت سنتی، از حضرت ابراهیم و موسی (علیهماالسلام) هم با منت در بهشت پذیرایی می‌کنند. در این شماره، نه به همه اشکالات بلکه به برخی از اساسی‌ترین اشکالات انحصارگرایی مسیحیت اشاره خواهیم کرد.

۱- «قُلْ هَآؤُلَآئِیْ هُتَّانِکُمْ اِنْ کُنتُمْ صَادِقِیْنَ»

بگو اگر راست می‌گویید برهان و دلیلتان را ارائه کنید (بقره، ۱۱۱). این نخستین اشکالی است که بر انحصارگرایی مسیحیت وارد میشود. قرآن کریم میگوید هر مدعایی تشنه دلیل است. دلیل شما بر اینکه تنها مسیحیان وارد بهشت می-شوند چیست؟ با چه منطقی با چه بهشت را به- روی کسانی که پیش از تولد و ظهور مسیح می-زیستند میندید؟ آیا این اعتقاد با عدالت خداوند سازگاری دارد؟ چگونه ممکن است خدای عادل انسانها را بهخاطر عدم اعتقاد به امری که در ادیان محقق میشود وارد جهنم کند؟ پس نخستین اشکال دیدگاه انحصارگرایانه مسیحیت، بیدلیل بودن و بیشظنوانیهودن مدعاست.

۲. «وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی»

هیچکس بار گناه دیگری را بهدوش نمیکشد (انعام، ۱۶۴). از منظر مسیحیت هر انسانی پلید است و با پلیدی زاده میشود؛ چراکه پدرشان آدم (علیهاالسلام) با خوردن میوه درخت ممنوعه گناه کرد و این پلیدی را به همه انسانها سرایت داد؛ درحالیکه قرآن میگوید هیچکس بار گناه دیگری را به دوش نمیکشد.

در اسلام هیچ فردی بهخاطر گناه ناکرده مجازات و حتی توبیخ نمیشود. اینکه رنگ پوست کسی سیاه یا سفید باشد، پدرش جانی یا عارف باشد، زشت یا زیبا باشد، قدبلند یا قدکوتاه باشد، کندذهن یا باهوش باشد، مستحق هیچ مذمت نیست؛ اتفاقاً هر انسانی بر اساس فطرت توحیدی پاک و معصوم آفریده میشود و تربیت والدین و آموزشهای نادرست است که آنها را به انحراف میکشاند؛ بنابراین، گناه آدم (ع) اگر گناه باشد نمیتواند مایه ناپاکی فرزندان آدم شود.

۳. تناول از میوه درخت ممنوعه گناه نیست براساس دلایل عقلی همه انبیاء علیهماالسلام از عصمت برخوردارند. تناول از میوه درختی که حضرت آدم (ع) از آن نهی شد، حرام نبود که حضرت با خوردن آن مرتکب معصیت و گناه شده باشد. دو حالت در اینجا قابل تصور است، با آن

عالم عالم تکلیف نبود و هنوز دین و تکالیف الهی وضع نشده بود؛ بنابراین هیچ فعلی برای حضرت آدم (ع) حرام محسوب نمی‌شد.

یا آنکه حضرت با تناول از میوه درخت ممنوعه مرتکب «تَرَکِ اُولٰی» شدند؛ یعنی نهیی که به آن فعل تعلق گرفته بود معنایش این بود که اگر حضرت آدم بخواهد در بهشت بماند نباید از آن میوه تناول کند اما اگر تناول کرد مستحق ورود در زمین میگردد؛ برای نمونه، پدری به فرزند خود میگوید: «اگر شیرینی بخوری باید ظرفها را بشوری پس سعی کن به یخچال نزدیک نشو». این نهی از نزدیکشدن به یخچال معنایش این نیست که حق نداری شیرینی بخوری و اگر بخوری پدرت را ناراحت کردی. در اینجا شخص مخیر است از شیرینی تناول کند و زحمت شستن ظروف را عهدهدار خود را آنکه که نزدیک شیرینی هم نشود و ظرف نشوید.

۴. تثلیث و سهخدایی تناقض آشکار مسیحیت یکی از اعتقادات انحرافی مسیحیت اینکه خداوند یکی است درعینحال که سهواست! آن‌ها علاوه بر خدای یگانه، جبرئیل یا همان روحاَلْقُدُس و عیسی مسیح را خدا میدانند؛ «وَ اِلٰهَآلَ الْتَصْرِیّٰ الْفَسِیْحِ اِبْنُ الْاِلٰهِ... فَاتَّخَذَهُمُ اللّٰهُ، اَنۡیَیْ یُّؤَفِّکُوۡنَ» نصرتیان می‌گویند: مسیح فرزند خداست... خدا آنها را یکشد، چگونه (از حق) منحرف میشوند (توبه، ۳۰).

اعتقاد مسیحیت با عقل سلیم سازگاری ندارد. اگر مسیح تجلی و ظهور خداست این سخن درست نیست؛ چراکه همه موجودات نشانههای علم و قدرت و اراده الهیاند و این امر اختصاص به مسیح ندارد. اگر مسیح خود خداست باز هم قابلپذیرش نیست؛ چراکه خداوند یگانه است و نظیری ندارد؛ «وَ لَم یَّکُنْ لَّهٗ کُفُوًاۤ اَحدٌ» همتای خدا نیست (توحید، ۴). اگر توحیح فرزند خداست باز هم سخن باطلی است؛ چراکه خداوند فرزندی ندارد؛ «لَم یَلِدْ وَ لَم یُکُنْ لَّهٗ فِرۡدٌ» نه فرزند کسی است و نه فرزندی دارد (توحید، ۳).

سؤال چالشی دیگر از مسیحیت اینکه چگونه ممکن است خداوند خودش را فدای انسان کند و چگونه ممکن است با اعتقاد به این امر نجات یافت؟ انسانی را فرض کنید که مسیحیت را بهعنوان دین رسمی خویش انتخاب کرده و به آموزه نجات ایمان دارد اما میلیاردها دلار اختلاس میکند، جان هزاران بیگناه را میگیرد و از هیچ جانی بی‌گزاران نمیکند و صرفاً یکشنبهها را به در کلیسا حاضر شده و با خدا رز و نیاز میکند و چهپسا با پرداخت مبالغ هنگفتی به کشیش از

سیاسی - سلامت

انحرافات اساسی مسیحیت

ضدیت لیبرالیسم و پلورالیسم با اسلام

کچ **حامد محمدی متین**

مَنِش منتخَب منع کرد». درحقیقت، «امر به معروف و نهی از منکر با اصول اخلاقی لیبرالیسم سازگاری ندارد».



پولهای اختلاسشده مالک زمینی در بهشت می-گردد (شنیده شده اقدامات این چنینی قرون وسطایی هنوز هم کموبیش در برخی از کلیساها رواج دارد) و پس از خروج از کلیسا دومرتبه جنایات خود را ازسر میگیرد. آیا چنین شخصی مستحق ورود به بهشت است اما آن مسلمانی که بهخاطر خدا و برای حفظ نظام و امنیت مردم جان خود را کف دست گرفته و در کشور غریب جان خود را فدا میکند صرفاً بهخاطر اینکه به فداشدن خدا برای انسان معتقد نیست مستحق جهنم و عذاب است؟

اسلام نه همه مسیحیان را اهل عقاب میداند و نه حتی همه کفار را. حتی از منظر تشیع، برخی از اهل سنت به اهل سعادتاند. تنها کسانی عذاب میشوند که باوجود فراهمبودن شرایط تحقیق نسبت به مذهب حق کاهلی کنند یا ازروی عداد و ستیز با امیرالمؤمنین (ع) مخالفت کنند، درحالی-که می‌دانند پیامبر اکرم (ص) علی را برادر و دوست خود خوانده است.

خلاصه آنکه، نه حضرت آدم مرتکب گناه و فعل حرام شده، نه اگر بهفرض محال مرتکب گناه شده باشد به فرزندانش قابل سرایت است، نه حضرت مسیح (ع) خدا و فرزند خداست، نه اعتقاد به چنین چیزی ارتباطی با آمرزش گناه و پلیدی ذاتی دارد و نه درب بهشت بهروی غیرمسیحیان بسته است.

با توجه به آنچه عنوان شد لیبرالیسم فرزند ناخلف مسیحیت تحریف‌شده است. مسیحیان درب‌های بهشت را به‌روی همه می‌بندند؛ پلورالیسم دینی پیروان همه ادیان را شفاعت می‌کند. در این قسمت درصدد هستیم بدانیم «چرا باوجود آنکه پلورالیسم دست دوستی به همه ادیان حتی سوسک‌پرستان دراز می‌کند، آیش با اسلام به یک جوب نمی‌رود»؟

■ **لیبرالیسم پشتوانه پلورالیسم**

لیبرالیسم بهزبان ساده بهمعنای آزادی است. دستکم دو اصل بهعنوان اصول لیبرالیسم شناخته میشود. اول، «آزادی» انتخاب روش زندگی؛ دوم، «تساهل و تسامح» و لزوم مدارا با مخالف؛ یعنی «باید به انتخاب افراد هرچه که باشد احترام گذاشت و نباید آنان را از روش و

می‌شود. احتشام با ابراز اینکه سلطان ریه همانند سایر سلطان‌ها به دو نوع خوش خیم و بدخیم تقسیم می‌شود و روند درمان آن بستگی به جواب نمونه‌برداری دارد گفت؛ در نوع خوش خیم می‌توان با یک عمل جراحی درمان را انجام داد، اما در نوع بدخیم احتمال اینکه تمام بدن درگیر شود زیاد است.

وی با بیان اینکه هنوز پژوهشی در خصوص تعداد فراوانی ابتلا به سرطان بر اساس خوش خیم یا بدخیم بودن آن، مشخص نشده است، تصریح کرد: برای کاهش ابتلا به این بیماری ابتدا باید عوامل خطر آن را در جامعه کمتر کرده و سپس خود افراد هرگونه علائم مشکوک را جدی تلقی و از مصرف دخانیات خودداری کنند.

فوق تخصص ریه، آسم و آلرژی با بیان اینکه استرس عامل اصلی ایجادکننده سرطان ریه نیست، عنوان کرد: اما روند درمان از مختل ریه و کیفیت زندگی بیمار را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد.

حال با توجه به علائم آن که شامل مشکلات تنفسی، سرفه، تولید موکوس (خلط) و خس خس می‌شود اشاره کرد و افزود این بیماری با مواجهه طولانی مدت با گازهای تحریک‌کننده یا ذرات معلق موجود در هواکه اغلب ناشی از دود سیگار هستند، ایجاد می‌شود. افراد مبتلا به بیماری انسداد روی مزمن (COPD) در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به بیماری قلبی، سرطان ریه و بیماری‌های مختلف دیگر قرار دارند.

وی با بیان اینکه سبک زندگی اشتباه و استعمال دخانیات باعث بیماری سی، او، پی، دی می‌شود، مطرح کرد: پژوهش نشان می‌دهد به دلیل عوامل ریز فاکتور و خطری که فرد را بیمار کرده شانس ابتلا به سرطان ریه در این افراد بیشتر از سایر بیماران است.

وی با بیان اینکه عفونت‌های شدید ناشی از برخی بیماری‌ها همچون کرونا و آنفولانزا در ابتدا سبب ذات‌الریه و سپس چسبندگی یا فیبروز ریه قدیمی و غیره مبتلا به سرطان ریه می‌شدند اما در عصر حاضر افزایش مصرف دخانیات این بیماری کشته را در پی دارد.

احتشام با بیان اینکه طبخ مواد غذایی بر روی زغال به دلیل وجود کربن و ورود آن به سیستم تنفسی شانس ابتلا به سرطان ریه را افزایش می‌دهد، عنوان کرد: از دیگر عوامل مؤثر بر این بیماری می‌توان به ژنتیک، سبک زندگی و غیره اشاره کرد.

وی افزود: افرادی که یکی از اعضای درجه

آزاد است هر مرامی را پذیرفته و بر طبق آن مرام عمل کند. هیچکس حق ندارد با چنین فردی رفتار نامسالمت‌آمیز داشته باشد؛ یعنی باید با دیگران با تسامح و مدارا رفتار کرد».

■ **اعتبار پرستش حشرات ازمنظر پلورالیسم**

دینی

ضدیت پلورالیسم دینی با اسلام در حالی است که هر دین و آئین دستساز انسانی را معتبر می-شمارد. برخی از مسافران هندوستان نقل می-کنند که زمانی در یکی از جاده‌های هندوستان با اتومبیل در حال حرکت بودیم که به راهنندان رسیدیم و مشاهده کردیم که مردم دور چیزی حلقه زده‌اند. از خودرو پیاده شده و نزدیک جمعیت شدیم و از ماجرا پرسیدیم؛ آیا تصادفی رخ داده و شخصی از دنیا رفته است؟ گفتند خیر. مجدداً پرسیدیم آیا پهلوانی بساطی پهن کرده یا مرتاضی اعمال خارق‌العاده انجام میدهد؟ پاسخ دادند خیر. گفتیم پس چرا مردم وسط خیابان تجمع کرده و راه را بسته‌اند. گفتند ما در حال سجده و عبادت معبود و خدایمان هستیم. گفتیم آیا امکان دارد ما هم خدای شما را زیارت کنیم؟ گفتند بله حتماً، ما این توفیق را از شما سلب نمی‌کنیم، بفرمایید. جمعیت را که کنار زده و از آنچه دیدیم، شگفتزده شدیم. با چشمانی گردشده مشاهده کردیم سوسک بیچاره‌ای میان جمعیت هوادار گرفتار شده و مردم در حال سجده به او هستند!

«سوسکپرستی در عصر فضا عجیب است اما عجیتر تفکری است که از اعتبار چنین عمل جاهلانهای دفاع میکند». پلورالیسم دینی سوسکپرستی را مایه نجات از جهنم و ضامن سعادت ابدی میداند اما دینی را که قصاص را عامل حیات جامعه میداند بهصرفانکه این حکمی خشن است نامعتبر می‌شمارد! («و لَکُم فی القصاص حیاتٌ یا اُولِی‌الْاَبْآبِ») قصاص مایه حیات شماسات ای خردمندان (بقره، ۱۷۹). سعدی فلسفه قصاص را بهخوبی بهنظم درآورده است؛

ترحم بر پلنگ تیزدندان / ستمکاری بُود بر گوسفندان

اما جان هیک که احکام اسلام را خشن میداند درباره احکام مسیحیت چه قضاوتی میکند؟ یعنی اگر کسی در محیط زندگی جان هیک مرتکب قتل شده با او چگونه رفتار میکند؟

برای پاسخ به سؤال فوق باید توجه داشت «در شریعت مسیحیت تقریباً هیچ حکمی برای رفتارهای فردی و اجتماعی وجود ندارد». کمتر حکمی را بهعنوان حکم شرعی میتوان در مسیحیت یافت. یهودیت همانند اسلام درباره

متخصص تغذیه تأکید کرد:

بچه‌ها را بدون صبحانه مدرسه نفرستید

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بابیان این‌که ترکیب صبحانه بسیار مهم است، گفت: اگر پدر و مادر بخواهند صبحانه را محدود به بیسکویت، شیرکاکائو و یا شیرهای طعم دار کنند، مطمئناً مقصود حاصل نمی‌شود.
نیستانی با اشاره به اهمیت تغذیه کودکان در مقطع ابتدایی، اظهار کرد: بخش مهمی از عادات غذایی در سنین کودکی شکل می‌گیرد و تغذیه در دوره کودکی از اهمیت بالایی برخوردار است و تأثیر ویژه‌ای در سنین بالاتر دارد.

سپهرغرب، گروه سلامت: یک متخصص تغذیه، به والدین توصیه کرد فرزندان خود را بدون صبحانه به مدرسه نفرستند.

تیرنگ نیستانی گفت: کودکان هرگز نباید صبحانه نخورده به مدرسه بروند و در این بین سال اول مقطع دبستانی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر دوره‌ها برخوردار است.

وی یادآور شد: مطالعات زیادی نشان داده است که بچه‌هایی که صبحانه نمی‌خورند، احتمال چاق شدنشان بیشتر از کودکانی است که صبحانه می‌خورند.

سپهرغرب، گروه سلامت: به گفته محققان، بودن در فضای سبز، فضای آبی در نزدیکی رودخانه یا اقیانوس یا حتی یک محیط برفی، می‌تواند موجب تقویت سلامت روان شود.

کاملیا زیپور برنات نویسنده این مطالعه از دانشگاه پزشکی سیلیسیا لهستان، گفت: اکنون مجموعه‌ای از شواهد وجود دارد که نشان می‌دهد قرار گرفتن در معرض طبیعت ازجمله زندگی در نزدیکی آن، رفت و آمد یا درگیر شدن با محیط‌هایی مانند جنگل‌ها و پارک‌ها، با طیف وسیعی از مزایای سلامت جسمی و روانی مرتبط است.

وی در ادامه توضیح می‌دهد: برخلاف مطالعات قبلی که بر تأثیر محیط‌های طبیعی

آبی و سبز بر سلامت بدن متمرکز شده‌اند، مطالعه ما نخستین موردی است که تأثیر مثبت گذراندن وقت در محیط‌های پوشیده



مسائل گوناگون حکم دارد. بهیان سادھتر یھوویان ھمانند مسلمانان رسالہ عملیہ دارند؛ اما مسیحیان چیزی بہنام رسالہ عملیہ ندارند. البتہ اعتقاد مسلمانان این است کہ چنین احکامی در مسیحیت وجود داشتہ اما متأسفانہ باقی نماندہ است؛ پس در دین مسیحیت احکام شرعی جز چند حکم کلی مانند لزوم برخورد مسالمت‌آمیز با ہمہ نیست.

پس احکام در مسیحیت در حقیقت بہ قواعد عرفی و قراردادهای اجتماعی بازمیگردد و اساساً ارتباطی بہ دین ندارد؛ درنتیجہ، در مسیحیت هیچ حکمی اعم از خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز وجود ندارد و احکام قضائی و اجرای حدود و تعزیرات بر اساس قراردادهای عرفی یا نظریات دیگر صورت میپذیرد.

■ **توجیہ انحرافات مسیحیت منشأ پیدایش پلورالیسم دینی**

حقیقت این است کہ تعارض‌هایی در دین مسیحیت وجود داشت کہ نظریہپردازان راھی بہتر از پلورالیسم برای توجیہ آن‌ہا پیدا نکردند؛ برای نمونہ، انحصارگرایی مسیحیت و جہنمی دانستن غیرمسیحیان منجر بہ جنگ‌های مذہبی خونین میان خود مسیحیان و میان مسیحیان با پیروان سایر ادیان گشت؛ بھگوئهای کہ بر سر اختلاف‌های مذہبی بھراحتی یکدیگر را میکشtdند. اینجا بود کہ نظریہپردازها بھفکر چارہ افتادند تا جلوئ اینھمہ جنگ‌ها و خونریزہها را بگیرند. یکی از آن نظریہها اعتبار بخشیدن بہ دیدگاہ پلورالیسم و کترنگرایی دینی بود. طبعاً اگر نظریات مختلف معتبر باشد مردم زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربہ خواهند کرد. ما با سلیقہهای یکدیگر راحتتر کنار می‌آیم تا اختلاف‌های جدی زندگی؛ زیرا اگر دیدگاہ مخالف را از واقعیت تھی کردیم، یعنی گمان کردیم کہ ضرر واقعی از دیدگاہ او بہ ما نمیرسد آنوقت راحتتر میتوانیم با دیدگاهش کنار بیاییم و کنار ہم با صلح و صفا زندگی کنیم؛ برای نمونہ، انتخاب رنگ لباس وابستہ بہ سلیقہ افراد است و کسی با سلیقہ شخص دیگر مخالفتی نمیکند؛ اما اگر اعتقاد داشتہ باشیم کہ کاری منافع واقعی ما را بھخطر میاندازد طبعاً نمی-توانیم تحمل کنیم و مقابل آن میایستیم.

البتہ این طرز فکر توھمی بود کہ در ذھن اندیشمندان مسیحی شکل گرفتہ و فکر میکردند کہ اینگونه می‌شود مشکل را حل کرد؛ در حالی کہ بر مشکلات و رویکرد دیگری بہ رویکردهای سابق افزودند. درواقع، درصدد بودند آتھی بیزند کہ بہ-اصطلاح بہ دھان بزی شیرین آید در حالی کہ بہ مذاق هیچ‌یک از ادیان خوش نیامد.